



دانشگاه شیراز

دانشکده علوم انسانی

پژوهشی اخلاقی و حکم‌رکنی در شعری خیرالدین عراقی

نقوش:

عبدالمجیدی

استاد و دانشیار، دکتر سون چهره‌قانی، منتشر

استاد محترم، دکتر پدانه بیمنی

رئیس هیأت مدیره، درجه دکتری، علمی ارشد

خبرنامه، شماره ۱، فصلی، فارسی

دی ماه ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بررسی امثال و حکم و تمثیل در اشعار فخرالدین عراقی

نگارش

عبداله محمدی

استاد رهنما: دکتر رسول چهرقانی منتظر

استاد مشاور: دکتر یداله بهمنی

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

دورشته زبان و ادبیات فارسی

دی ماه ۱۳۹۱

باسمه تعالی



دانشگاه تربیت مدرس

مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب عبدالله محمدی متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان‌نامه/ رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم‌سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیدی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه تربیت مدرس دبیر شهید رجایی می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

شماره: ۲۰۲۱/۱۲
تاریخ: ۹۲/۴/۲۵



بسمه تعالی

دانشگاه صنعتی شاهرود

صور تجلّسه دفاع پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای عبدالله محمدی رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان: بررسی امثال و حکم و تمثیل در دیوان نصرالدین عراقی، که در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۶ با حضور هیأت محترم داوران در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی برگزار گردید و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید.

قبول (بدرجه شماره ۱۸/۲۵ امتیاز...) دفاع مجدد مردود.

۱- عالی (۱۹-۲۰)

۲- بسیار خوب (۱۸-۱۸/۹۹)

۳- خوب (۱۶-۱۷/۹۹)

۴- قابل قبول (۱۴-۱۵/۹۹)

۵- غیر قابل قبول (کمتر از ۱۴)

اعضاء	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	اعضاء
استاد راهنما	دکتر رسول چهرقانی	استادیار	
استاد مشاور	دکتر پدافه بهمنی	استادیار	
استاد داور داخلی	دکتر علی اکبر افراسیاب پور	استادیار	
استاد داور خارجی	دکتر شهرزاد طایلی	استادیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر رضا نجانی	استادیار	

دکتر غلامعلی احمدی
رئیس دانشکده علوم انسانی

شاهرود

تقدیر و تشکر

خداوند را شاکرم که توفیق سلامتی فکر و بدن نصیب نگارنده نمود ، تا بتواند در این تحقیق آنچه شایسته است را به انجام برساند. یقیناً هیچ فکر و عملی به شخصه، به منحصه ی ظهور نمی رسد و بدون مشورت و همکاری دیگران نمی توان ایده ای را پیاده نمود. بنابراین شایسته است از استادان و همکاران محترم کمال تقدیر و تشکر را به انجام برسانم که اگر نبود مساعدت و راهنمایی سرورانم، به تنهایی قادر به انجام این امر نبودم .

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر چهره قلی به عنوان استاد راهنما، تشکر به عمل می آورم که با همفکری و قبول زحمت، حتی خارج از وقت اداری و بیرون از محیط دانشگاه، مرا مورد لطف قرار داده و از پیشرفت کارم مطلع می شدند .

از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر بهمنی به عنوان استاد مشاور، نیز به خاطر دقت نظر و تأثیر گذاریشان بر روند و شیوه ی تحقیق تقدیر می نمایم و نیز از زحمات استاد عزیزم جناب آقای دکتر افراسیاب پور، داور داخلی پایان نامه، ممنون و سپاسگزارم .

شایسته است از قبول زحمت و نکته بینی و همچنین از استفاده سازنده ی استاد گرامی جناب آقای دکتر طایفی، داور خارجی این پایان نامه کمال تقدیر و تشکر را به عمل بیاورم .

در پایان از زحمات فرزندان عزیزم محمد و مهدی که در تایپ و ویرایش پایان نامه، شبانه روز کمک نمودند، ممنون و سپاسگزارم و جا دارد که از همسر مهربانم که سختی های گرد آوری و تألیف این تحقیق را تحمل نمودند، تشکر ویژه به عمل بیاورم .

چکیده

در قرن هفتم هجری، شاعران بزرگی در عرصه ی ادبیات ظهور کرده اند که از هر کدام آثار ارزشمندی به یادگار مانده است. یکی از این شاعران، عراقی است که از مقام والایی برخوردار بوده و با توجه به اینکه بسیاری از صناعات ادبی از جمله امثال و حکم، تمثیل، ضرب المثل و... در دیوان این شاعر آمده است، در این پایان نامه، سعی گردیده «امثال و حکم در دیوان فخرالدین عراقی» مورد بررسی قرار گیرد.

امثال و حکم نمایانگر ارزش ها و افکار و باورهای مردم در جامعه است و همواره در اشعار بیشتر شاعران بزرگ ادب فارسی به چشم می خورد. عراقی یکی از شاعران بزرگ ادب فارسی به شمار می رود که توانایی او در استخدام معانی و ابتکار مضامین، به کار بردن لغات و ترکیبات خاص و ساختن ترکیب های گوناگون، استفاده از کنایات، تشبیهات و ضرب المثل های تازه که خود، ساخته وابداع کرده است، نمایان است.

امثال و حکم در اشعار این شاعر بزرگ در زمینه های مختلف از رواج خاصی برخوردار است که از آن جمله می توان به عرفان و عشق و می و میخانه و مناعت و بلند نظری، آبرومداری، ترک تعلقات دنیوی، پرهیز از خصلت ناروا، حلم و بردباری، وفای به عهد، بخشش و نکویی، تواضع و فروتنی و... اشاره کرد.

روش تحقیق بر اساس مطالعه و توصیف منابع امثال و حکم و نیز کاربرد آنها در اشعار فخرالدین عراقی می باشد.

هدف از انجام این پژوهش بررسی و مطابقت امثال و حکم اشعار عراقی با امثال رایج شاعران هم دوره و نیز بسامد تمثیلات بکار رفته در اشعار عراقی می باشد.

کلیدواژه ها: شعر فارسی، فخرالدین عراقی، امثال و حکم، تمثیل و ضرب المثل.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول
۱	کلیات تحقیق
۲	۱-۱ مقدمه
۲	۲-۱ عنوان تحقیق
۲	۳-۱ بیان مسئله
۳	۴-۱ اهداف تحقیق
۳	۵-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق
۳	۶-۱ سؤالات یا فرضیه های تخصصی
۳	۱-۶-۱ سؤالات
۳	۲-۶-۱ فرضیه های تحقیق
۴	۷-۱ روش تحقیق
۴	۸-۱ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه های کلیدی
۵	۹-۱ قلمرو تحقیق
	فصل دوم
۶	مطالعات نظری
۷	۱-۲ مقدمه
۷	۲-۲ زندگینامه عراقی
۱۲	۳-۲ اعقاب و اولاد عراقی
۱۳	۴-۲ عراقی و رابطه ی او با مولانا، صدرالدین قونوی و محی آالدین عربی
۱۳	۵-۲ ویژگی شعری «سبک عراقی» و مطابقت مضامین شعر عراقی با آن
۱۶	۶-۲ امثال و حکم و تعاریف مختلف
۱۷	۷-۲ ریشه یابی مَثَل و مَثَل نویسی
۲۰	۸-۲ تعاریف مثل و شناخت فرهنگ و ملل
۲۳	۹-۲ ویژگی های امثال و حکم
۲۴	۱۰-۲ تمایز امثال و حکم با انواع دیگر تقسیمات ادبی مشابه
۲۵	۱۱-۲ تقسیم امثال بر اساس تعاریف
۲۸	۱۲-۲ امثال فارسی مقتبس از قرآن

۲۸----- ۱۳-۲ امثال در کلام صوفیه ی ایران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۹-----	۱۴-۲ امثال و حکم در غرب
۳۱-----	۱۵-۲ تحلیل امثال و حکم از نظر ساختار و موضوع
۳۳-----	۱۶-۲ پیشینه ی تحقیق
۳۴-----	۱۷-۲ چارچوب نظری تحقیق

فصل سوم

۳۵-----	تجزیه و تحلیل داده ها
۳۶-----	۱-۳ مقدمه
۳۷-----	۲-۳ علائم اختصاری
۳۸-----	۳-۳ امثال حالات و روابط انسانی
۶۵-----	۴-۳ امثال طبیعت (برگرفته از طبیعت)
۷۸-----	۵-۳ امثال عرفانی
۹۲-----	۶-۳ امثال آمرانه و عاجزانه
۹۴-----	۷-۳ امثال تلمیحی
۹۹-----	۸-۳ امثال تقابلی و متضاد
۱۰۲-----	۹-۳ امثال حکمی
۱۲۶-----	۱۰-۳ تمثیلات
۱۲۹-----	۱۱-۳ تمثیل و تفاوت آن با نماد و تمثیلات رمزی
۱۳۰-----	۱۲-۳ تمثیلات صوفیان ایران
۱۳۲-----	۱۳-۳ یافته های تمثیلات

فصل چهارم

۱۵۴-----	نتیجه گیری و پیشنهادها
۱۵۵-----	۱-۴ نتیجه گیری
۱۵۶-----	۲-۴ محدودیت ها و مشکلات تحقیق
۱۵۶-----	۳-۴ پیشنهادها
۱۵۷-----	۴-۴ پیشنهادی برای پژوهندگان بعدی
۱۵۸-----	منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

امثال و حکم نماینده ی فکر و عقاید و طرز زندگی یک ملت می باشند و شاعران از جمله کسانی هستند که سعی می کنند در آثار خویش به منظور نمایاندن جامعه ی خویشاز این شاخصه استفاده کنند. بررسی آثار آنها به خصوص امثال و حکم موجود در اشعارشان ما را علاوه بر آگاهی از افکار شاعر، با افکار و روحیات مردم معاصر شاعر نیز آشنا می کند.

عراقی شاعر و عارف قرن هفتم هجری که از رواج دهندگان و پیروان تفکر و بینش عرفانی است، تا حد امکان و تا جایی که به مضامین عرفانی او آسیب نزند، از امثال و حکم و تمثیلات بهره گرفته است.

۲-۱ عنوان تحقیق

این پژوهش با عنوان «بررسی امثال و حکم و تمثیلات در دیوان فخرالدین عراقی» انتخاب شده است تا بتواند گوشه ای از واکاوی ادبیات ایران، به ویژه در سبک عراقی را انجام داده باشد.

۳-۱ بیان مسئله

پژوهش به دنبال واکاوی و بررسی در مورد امثال و حکم و نیز تمثیلات استفاده شده در دیوان عراقی و نیز بررسی موضوعی امثال و حکم و تمثیلات می باشد. در این پژوهش و تحقیق به تبیین و تشریح ضرب المثل ها و تمثیلات به کار رفته در اشعار فخرالدین عراقی، از نظر کاربردی و مضمون یابی پرداخته خواهد شد.

این پژوهش به دنبال آن است که امثال و حکم و تمثیلاتی را که دارای بسامد و کاربرد بیشتری در اشعار فخرالدین عراقی هستند، به دست آورد.

۴-۱ اهداف تحقیق

الف) آشنایی با انواع منابع مختلف درباره ی امثال و حکم و تمثیلات.

ب) میزان استفاده شاعر از انواع امثال و حکم و تمثیلات.

ج) مقایسه ی تمثیلات رایج در دوره ی شاعر بادوره های دیگر .

۵-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق

جایگاه بلند شاعر در حوزه ی ادب غنایی و عرفانی ما را بر آن داشت تا از منظر امثال و حکم و تمثیلات به بررسی اشعار او بپردازیم و تا اندازه ای به امثال و حکم و تمثیلاتی که در دوره ی شاعر رواج داشته است، پی ببریم .

۶-۱ سؤالات یا فرضیه های تخصصی

۱-۶-۱ سؤالات

۱. کدام امثال و حکم و تمثیلات در دوره عراقی کاربرد عمومی داشته و کدام کار برد خاص داشته است؟

۲. کدام امثال و حکم و تمثیلات کاربرد و بسامد بیشتری در شعر عراقی دارد؟

۳. امثال و حکم مورد استفاده در دیوان عراقی دارای چه نمونه و شواهدی در آثار شاعران همفکر و نزدیک به دوره ی او می باشد؟

۲-۶-۱ فرضیه های تحقیق

در هر پژوهش دستیابی به صحت و سقم فرضیه هایی که در ذهن محقق است، مبنای کار میباشد. این تحقیق به دنبال به دست آوردن نتایجی است که فرضیه های محقق را تایید یا نفی می نماید:

۱. عراقی شاعری عارف می باشد، بنابراین امثال و حکم در دیوان او دارای بسامد کمتر می باشد اما اهمیت و جایگاه کاربرد امثال و حکم و تمثیلات در اشعارش نادیده گرفته نشده است .

۲. برخی از امثال و حکم به کار رفته در اشعار این شاعر، رواج عمومی چندانی ندارد اما می تواند در مبحث امثال و حکم جای بگیرد .

۳. با وجود اینکه امثال و حکم اشعار عراقی دارای بسامد پایین می باشند اما نمونه ها و مضامین آنها را می توان در اشعار شاعران همفکر پیدا کرد .

۷-۱ روش تحقیق

روش تحقیق بر اساس مطالعه و توصیف منابع و کتب امثال و حکم و بررسی موضوعی امثال و حکم و تمثیل های به کار رفته در دیوان فخرالدین عراقی می باشد . پس از تحلیل کیفی، در نتیجه گیری، نگاه آماری و کمی نیز به عمل خواهد آمد.

داده ها از طریق مطالعه و بررسی کتب و منابع تحقیقی متناسب با موضوع تحقیق صورت خواهد پذیرفت. از قبیل: امثال و حکم دهخدا، فرهنگ عوام امینی ، داستان نامه بیهمنیاری و...

۸-۱ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه های کلیدی

امثال و حکم: «مثل» در لغت به معنی مانند و شبیه است و ریشه ای عربی دارد از ماده «مثول» به معنی شبیه بودن چیزی به چیز دیگر است . «حکم» جمع حکمت از گروه ادب و غرر و ڈرر و لطایف نکته ها و بذله ها است. امثال، آن قسمت از حکایات کوچک اخلاقی است که در حوزه ادبیات فارسی ، بسیار گسترده است و در تمام زبان ها و فرهنگ ها ، هدف آن راهنمایی مردم است . امثال و حکم بیشتر در مایه های شعری و به صورت مصرعی از بیت یا دوبیتی و به صورت مصداق و مضمون در غزل و قصیده آورده می شود. حکمت های امثال یا داستان های امثال که معمولا به صورت روایت و داستان نقل شده است، آینه ی زندگی و اخلاق عمومی است. همچنان که مثل ها ، آینه ی تمام نمای زندگی و حیات مادی و معنوی سازندگان آنهاست .

امثال و حکم ، نه تنها در گفتار روزمره ی مردم جایگاه خاصی دارد که فهمیدن بیشترین بخش از آثار ادبی نیز به لطف آن امکان پذیر گشته است. این نقل قول های مشهور و سخنان کوتاه که معمولا به سخنان عبرت آموز اشاره دارد ، در شکل های مختلف آن ظاهر گشته است .

در میان رساله های متعددی که در باب امثال و حکم نوشته شده است، تحقیقات بسیاری نیز تحت عنوان «چهره ی ملتها» در آینه ی امثال و حکم به عمل آمده است که تبیینی نافرجام در اخلاق شناسی مردم به وسیله ی امثال و حکم آن ملت است. این رسالات یک رشته از ضرب المثل های «ردیف نویسی شده» است که به غلط آنها را «آینه ی روح ملت» نامیده و بازتاب خلیات کل

جامعه محسوب شده اند. از آنجا که چنین تصوراتی غالباً بر اساس نمونه های انفرادی و تعمیم نادرست آن به تمام جامعه صورت پذیرفته است، مستلزم برخوردی اصولی و محتاطانه است.

«تمثیل»: در لغت به معنی تشبیه کردن و مثل آوردن و نیز به معنی نگاشتن پیکر و نمودن صورت چیزی به منظور عقوبت و عبرت دیگران گردانیدن، آمده است. وقتی گوینده ای برای بیان مقصود خود، مطلبی حکیمانه به کار ببرد که ادعای او را اثبات کند، از تمثیل بهره جسته است. مثال: عالم بی عمل، به زنبور بی عسل ماند (گلستان سعدی)

تمثیل، شاخه ای از تشبیه است و از همین رهگذر، به عنوان تشبیه تمثیلی نیز در کتاب های بلاغت، فراوان دیده می شود و بیشتر در حوزه ادبیات روایی (داستان، حماسه و نمایشنامه) کاربرد دارد.

فخر الدین عراقی: شاعر قرن هفتم هجری که در سال ۶۸۸ (ه.ق) در روستای کُمیجان همدان (هم اکنون از شهرستان های استان مرکزی می باشد) به دنیا آمد. پس از سفرها و اقامت های مختلف از جمله: هند، آسیای صغیر، مصر و شام عاقبت در شام از دنیا رفت و در مقبره ی محی الدین (جبل الصالحیه) دفن شده است. آثار باقیمانده از شامل دیوان اشعار و لمعات و چند نامه ی کوتاه می باشد.

۹-۱ قلمرو تحقیق

کلیات اشعار دیوان فخرالدین عراقی (به تصحیح سعید نفیسی و نسرین محتشم خزاعی) و منابعی چون داستان های امثال، سبک شناسی شعر، مثل ها و حکمت ها، لطایف سخن، معانی و بیان و فنون بلاغت و صناعات ادبی و تعدادی دیگر که در فهرست منابع و مأخذ آمده است.

فصل دوم

مطالعات نظری

۲-۱ مقدمه

به نام خدایی که مثل هارا مایه ی عبرت و روشنگری انسان قرار داده است و در هر جا که از امثال سخن گفته است هدفی جز تأکید و تبیین گزاره ی معقول نداشته است. خداوندی که خود بهترین هنرمند در به کار بردن تمثیل در خلقت است. خداوندی که خلقت را تجلی قدرت، عظمت، جمال، تدبیر و... قرار داده است تا انسان با تفکر در خلقت با عنوان گزاره ی محسوس به قدرت و عظمت خالق خویش پی ببرد.

شاعران پرچمداران قافله ی فکری بشریت همواره در استدراک و شناخت عالم خلقت اندیشه های دقیق و وسیع خویش را در قالب کلامی موزون و زیبا بیان کرده اند تا بتوانند بشر را از غرق شدن در عالم محسوسات و مادیات نجات دهند. عراقی از شاعران عارفی است که توانست این وظیفه را به خوبی و در قالب مضامین عاشقانه ، عارفانه و رندانه به تصویر بکشاند و در این راستا برای تسهیل در شناخت و معرفت الهی از امثال و حکم و نیز تمثیلات بهره گرفته است؛ چرا که امثال و حکم هم بیانگر روحيات شاعر و هم افکار مردم معاصرش بوده است.

۲-۲ زندگی نامه عراقی

شیخ فخر الدین ابراهیم بن بزرگ مهر بن عبدالغفار جوالقی همدانی متخلص به عراقی در دهی بنام کُمیجان در بیرون شهر همدان به جهان آمده و در شهر دمشق در ۸ ذیقعدۀ ی ۶۸۸ در گذشته است دارا شکوه در «سفینة الاولیا» تصریح کرده است که وی هشتاد و دو سال عمر کرده است. روستای کُمیجان که هم اکنون بنام شهرستان کُمیجان می باشد، یکی از شهرستانهای استان مرکزی در ۷۶ کیلومتری شرق همدان و مرز بیناستان همدان و مرکزی می باشد. گویا جامی نخستین کسی است که در «نفحات الانس» از عراقی نام برده است و مقدمه ای را هم که بر دیوان عراقی نوشته اند، از مطالب او می باشد.

نام شاعر، ابراهیم، کنیه ی وی فخرالدین، نام پدرش بزرجمهر و نام جدش عبدالغفار است. برخی تذکره نویسان اعتقاد دارند تخلص "عراقی" را شیخ شهاب الدین سهروردی به او داده است که این مطلب صحت ندارد؛ زیرا اولاً معلوم نیست عراقی آنچنان ملاقاتی با شهاب الدین سهروردی داشته باشد و در ثانی وضعیت روحی شهاب الدین سهروردی طوری است که بعید می نماید که تخلصی برای شاعری انتخاب نماید. حمدالله مستوفی کلمه «جوالقی» را به عنوان تخلص شاعر داده است. (محتشم، ۱۳۸۶، ص ۷)

خانواده فخرالدین عراقی اهل علم و ادب و فضل و مورد احترام اهالی همدان بوده است. تمام برادران او در زمینه های مختلف سیروسلوک و علوم شرعی و عقلی و نظری فعالیت داشته اند. شاعر ما در چنین خانواده ای در سن ۵ سالگی به مکتب می رود و پس از نه ماه تمام، حافظ قرآن می گردد و گویا از صوت و لحن خوشی هم برای قرائت قرآن برخوردار بوده است که وقتی قرآن را به آواز حزینمی خوانده، هر شنونده ای را بی طاقت می کرده و همه مشتاقانه در انتظار شنیدن آن بوده اند. (همان، ص ۸)

فخرالدین در هفده سالگی بر جمله ی علوم معقول و منقول دست می یابد و کار او به جایی می رسد که در مدرسه به تعلیم آن علوم می پردازد. او در حین تدریس، غزلی از قلندریان را با این آغاز می شود:

ما رخت زمسجد به خرابات کشیدیم خط بر ورق زهد و کرامات کشیدیم

شنیدن این غزل هیجان روحی او را برمی انگیزد و مرغ دل را اسیر زیبا پسری که در میان قلندریان بوده میکند و خود را آواره ی آفاق و انفس می نماید.

«شیخ ابوالقاسم بن ابوحامد بن نصر بلیانی انصاری کازرونی» در کتاب «سلم السماوات» که در سال ۱۰۱۴ ه.ق به پایان رسانیده می گوید: "در هفده سالگی از راه کرمان به وطن معاودت نموده و به صحبت شیخ اوحدالدین کرمانی رسیده و کتاب «لمعات» را در خانقاه او تمام نموده سپس به جانب روم راه افتاده و... (نفیسی، ص ۱۷ دیباچه) و این در حالی است که در هفده سالگی به دنبال قلندریان عازم هندوستان می شود، نه اینکه از هندوستان عازم وطن می شود و دیگر اینکه در مراجعه از هند به سوی آسیای صغیر، از راه عمان بر می گردد، نه از راه کرمان. (محتشم، ص ۱۱)

عراقی در معیت کاروانی به مولتان هندوستان مهاجرت می کند و در آنجا جزو مریدان «شیخ بهاءالدین زکریا» می گردد و پس از چله ی خلوت نشینی، بهاءالدین دختر خود را به نکاح عراقی در می آورد. «بهاءالدین زکریا» صوفی خشک و تنگ نظر نیست؛ بلکه مردی آزاد منش است که دارای طبعی عارفانه و صادقانه می باشد.

در برخی از اشعار عراقی ارادت و علاقه ی او به بهاءالدین، از جمله مدحیه و مرثیه هایش، کاملاً پیداست. ماجرای عرفانی آشنایی شیخ مولتانی با عراقی چنین است:

شیخ بهاءالدین نسبت به قلندریان جوالیقی توجهی خاص می نموده و اغلب پس از عبادت در راه بازگشت به حلقه ی آنها فرود می آمده است.

روزی در اثنای راه مولانا در بین قلندریان فخرالدین عراقی را آشنادید و صاحب تاریخ در این مورد می نویسد: «چون نظر شیخ بر آن جماعت افتاد، عراقی را بشناخت و دانست که قصه چیست...» (محتشم، صص ۱۲-۱۳)

شیخ بهاءالدین به عراقی توصیه می کند در خانقاه یکی از مشایخ به نام «کمال جندی» دورانی را سپری کند سپس عراقی از کمال جندی اجازه ی ارشاد می گیرد. آنگاه به مولتان برمی گردد.

درمآخذی از «عبدالرحمان جامی» به تأثیر پذیری فخرالدین عراقی از مکتب کمال جندی اشاره شده است. عراقی با خواندن "نخستین باده کاندرا جام کردند..." مورد توجه شیخ بهاءالدین قرار می گیرد و به عمادالدین - یکی از نزدیکان خود - می گوید کار او تمام شد. این جمله یعنی اینکه عراقی توانسته با سپری کردن دوران شاگردی خود در مکتب بابا کمال جندی و طی مراتب سیر و سلوک و دست یافتن به مقامات معنوی به مرحله ی مورد قبول برسد .

فخرالدین ابراهیم هفت سال پیش از هجوم مغولان پا به عرصه وجود می نهد و دوسال پیش از مرگ «ارغون خان»، ایلخان مغول (متوفی در ۶۹۰)، از جهان رخت بر می بندد. در دوران هجوم مغول وجود پناهگاه هایی در داخل و خارج ایران زمینه ی مساعدی برای رواج علوم و ادب فراهم می کند از جمله: فارس، هندوستان غربی و روم یا آسیای صغیر. در این دوران بیان دردها و مصیبت ها شاعران قرن هفتم را وادار می دارد که به موضوعات دیگری از جمله عرفان، اخلاق و... روی بیاورند. شاعران بزرگ قرن هفتم پیشتر به بیان اندیشه می پردازند و در عین حفظ ظاهر و زیبایی کلام می کوشند حقایق را در آثار خود به نمایش بگذارند؛ از این رو بزرگانی مثل سنائی، مولوی، سعدی، عراقی و... در این عرصه پیش قدم می شوند.

شهرت و مقام و وقایع زندگی فخرالدین عراقی، تذکره نویسان را بر آن داشته است که مقالاتی در کتب خود به او اختصاص دهند. (همان، ص ۲ مقدمه)

شیخ فخرالدین عراقی هنگام ورود به آسیای صغیر در اواخر سال ۶۶۶ یا ۶۶۷، ۵۶ یا ۵۷ سال دارد. پس از زیارت کعبه و عتبات مقدس عازم آسیای صغیر می شود که در آن هنگام قلندران در آن دیار برای خود مراکز داشتند. به دلیل الفتی که با وحدت وجود داشت به خدمت «صدرالدین قونیوی» می رسد و از افاضات وی، بعنوان بهترین شاگرد و شارح آثار این عربی، بهره مند می گردد. خانقاهیان صدرالدین با خانقاهیان مولانا علی رغم عدم تجانس، باهم رفت آمد داشتند و همین امر باعث آشنایی عراقی با مولانا می گردد. (همان، ص ۱۹ مقدمه)

فخرالدین عراقی ضمن حضور در مجالس بحث و تفسیر «فصوص الحکم»، کتاب «لمعات» را که یکی از نغزترین و شیوا ترین کتب عرفانی است، تدوین می کند. عراقی از شهرت و تأیید صدرالدین برخوردار

می گردد و مریدانی را دور خود جمع می کند؛ از جمله «معین الدین پروانه» که از طرف هلاکو خان به ولایت ممالک روم برانگیخته می شود. معین الدین یادرخانه صدرالدین و یادرخانه مولانای رومی با عراقی آشنا شده بود.

فخرالدین عراقی به سفارش و اشارت معین الدین به «توقات» رفته و در آنجا خانقاهی دایر می کند. تا سال ۶۸۱ در خانقاه توقات مریدان و ملازمانی گرد عراقی را فرا می گیرند و معین الدین هر وقت به توقات می آمده از خانقاه و خدمت شیخ فخرالدین استفاده می کرده است (همان، ص ۲۳ مقدمه) «ابا قاخان» حاکم مغول معین الدین را به خاطر گریختن از مقابل دشمن و بی خبر گذاشتن سپاه مغول مورد خشم و غضب قرار می دهد و به طرز فجیعی او را می کشد. ابا قاخان در سال ۶۸۱ می میرد و برادرش احمد تگودار جانشین او می شود و بلافاصله پساز جلوس، «شمس الدین جوینی» را به همراه یکی از برادران خود بنام «قونقورتای» و باقشونی به روم میفرستد. شمس الدین را به عنوان والی روم و قونقورتای را به عنوان محافظ سرحدات به آنجا گسیل می دارد (همان، ص ۲۴) شمس الدین بواسطه ی «امین الدین حاجی یوله»، مشتاق دیدار عراقی می گردد و به همین دلیل استر و خلعتی می فرستد و شاعر را به خدمت فرا می خواند و بدین ترتیب یک جاذبه ی طبیعی بین این دو نفر برقرار می گردد اما با سعایت حسودان، شمس الدین مورد سوء ظن قونقورتای قرار می گیرد و او نیز به عراقی سفارشی کند که توقات را ترک کند، بنا بر این فخرالدین عازم مصر میگردد .

فخرالدین عراقی ظاهراً برای نجات پسر معین الدین پروانه، مصر را برای اقامت انتخاب می کند تا انبانچه ی پراز جواهر را به او برساند. بدین جهت، چند روز بعد، انبانچه ی پراز جواهر را برداشته و در سرای سلطان مصر می رود. سلطان (سیف الدین قلاوون) با دیدن عراقی به عظمت و بزرگی او پیمی برد. چون انبانچه ی جواهر را بدون هیچگونه دخل و تصرفی به صاحبش برگردانده بود، مورد اعتماد سلطان قرار می گیرد و سلطان، عراقی را به مرتبه ی «شیخ الشیوخی» منصوب می کند و در همان روز منادی این ندا را سر می دهد: "شیخ فخرالدین شیخ الشیوخ است و بامداد او را اجلاس خواهد بود باید که متصوفه و علماء به درگاه آیند" (همان، ص ۲۶ مقدمه)

بامداد روز بعد عده ای از صوفیان و علما به درگاه می آیند و به حکم «سیف الدین قلاوون»، فخرالدین را ملازمان خلعت می پوشانند و طیلسان فرومی گذارند، ولی عارف متواضع پس از پوشیدن، دوباره بر سر می گذارد و این عمل باعث خندیدن حاضران می گردد. سلطان روز بعد دلیل را از شیخ می پرسد، او در جواب می گوید: «نفس بر من متوالی گشت اگر چنین نمی کردم خلاص نمی یافتم بلکه در عقوبت می ماندم». (همان، ص ۲۷)

شیخ با مشاهده ی جو نامساعد مصر که عالمان ظاهر بین و مادی پرست، زبان طعن به سوی او گشوده بودند و از سوی دیگر با قتل یاور مهربانش شمس الدین تصمیم می گیرد به شام سفر کند. او این مسئله را به سلطان عرضه می دارد و سلطان هر چند راضی به جدایی او نبود، دستور می دهد به وسیله ی کبوتر نامه بر به ملک الامرای شام نامه بفرستند که از شیخ استقبال گرمی به عمل آید. شیخ

فخرالدین به هنگام ورود به شام مورد استقبال بی نظیری قرار می گیرد و در همان بدو ورود شیفته ی جمال پسر ملک الامرا می گردد و همین امر طعن اهل دمشق را برمی انگیزد اما ملک الامرا آنها را ساکت می کند. فخرالدین شش ماه پس از اقامت، در سال هق ۶۸۷ پسر خود، «کبیرالدین» را به حضو می طلبد. کبیرالدین که در مولتان زندگی می کرده است، به همراه پسرش، ابراهیم، به خدمت پدر می رسد.

فخرالدین در اوایل سال ۶۸۸ مرض ماشراء (ورم خونی) بر روی صورت می گیرد و پس از پنج روز بستری شدن روز ششم دار فانی را وداع می گوید و پسر خود و نزدیکان را فرا می خواند و این رباعی وداع را می سراید: (نفیسی، ص ۹۶ مقدمه)

در سابقه چون قرار عالم دادند مانا که نه مراد آدم دادند

زان قاعده و قرار کانروز افتاد نه بیش به کس دهند و نه، کم دادند

و او را در گورستان صالحیه (جبل الصالحیه) دفن می کنند.

بنا به قول مشهور و مأخذ متعدد، مانند: «نفحات الانس»، «حبیب السیر»، «مجالس العشاق»، تاریخ وفات شیخ سال ۶۸۸ بوده است اما در برخی از منابع مثل «دولت شاه» و «تقویم التاریخ» حاجی خلیفه و «هفت اقلیم» سال ۷۰۷ یا ۷۰۹ را ذکر کرده اند.

در منابع مختلف از عراقی نام برده شده است که ما در اینجا چند منبع را ذکر می کنیم: ۱- نفحات الانس، جامی ۲- تذکره الشعراء دولت شاه ۳- حبیب السیر خواند میر ۴- آتشکده لطفعلی بیک آذر بیگدلی ۵- ریاض العارفین رضا قلی خان هدایت ۶- هدیه العارفین اسماعیل پاشا بغدادی

مرحوم نفیسی ضمن برشمردن ۱۵ اثر که از عراقی نام برده اند، اشاره می کند که منابع دیگری نیز وجود دارد. (همان، ص ۱۷)

اهمیت شاعر حتی خاورشناسان را هم بر آن داشته است که در مورد او مقالاتی بنویسند؛ از جمله مقاله ی دکتر «آبری» خاورشناس انگلیسی و در ادبیات ایران می توان به منابع زیر اشاره نمود: ۱- کتاب نظم گزیده ی محمد صادق ناظم تبریزی ۲- هفت اقلیم امین احمد رازی ۳- کتاب سلم السماوات شیخ ابوالقاسم بن ابو حامد بن نصر بلبانی (۱۰۱۴ هق) ۴- کتاب مجمع الفضلای محمد عارف لقایی (۹۹۶ هق) ۵- تذکره ی ریاض الشعراء علیقلی خان بن محمدعلی خان واله شمخالی لکزی داغستانی ۶- کتاب قصر عارفان احمد علی خیرآبادی (متوفی ۱۲۷۶ هق) برخی از منابع دیگر هم وجود دارد که هنوز چاپ نشده اند.

مؤلف «میخانه» از گفته ی مؤلف «مخزن اخبار» چنین آورده که: «در بغداد مرید شهاب الدین سهروردی شده و وی تخلص عراقی را به او داده است.» مؤلف «شمع انجمن» نوشته است که: «مرید و خواهرزاده شیخ شهاب الدین سهروردی بوده است.» (همان، ص ۲۱)